بوش محافظه کار و رادیکال یا بوش میانه رو

شهابی، سهراب

سو گران شدن دلار تاثیر قیمتی در رشد تولیدات اروپا داشته و اثر منفی بر رشد اقتصادی آسیا و اروپا خواهد داشت و از سوی دیگر با افزایش تولید آمریکا اثر درآمدی بر اقتصاد این کشورها گذاشته و شاهد رشد اقتصادی خواهند بود زیرا بازار عمده کالاهای تولیدی‏ آنها آمریکا است.

نکته جالب اینکه این انتخاب در ایران هم رای مثبت‏ گرفت و شاهد آن افزایش شاخص در بورس تهران‏ است.دلایل این اقبال را اینگونه می‏توان بیان کرد که‏ حداقل با انتخاب بوش ابهامی در مورد سیاست‏های‏ آمریکا باقی نمی‏ماند.در حالیکه اگر رقیب او پیروز می‏شد چند ماهی طول می‏کشید تا ابهامات ایجاد شده به‏ واسطه تشکیل دولت جدید برطرف شود.ولی با انتخاب‏ بوش و آگاهی از اینکه سیاست‏ها تغییر نمی‏کند و بی‏تردید نه‏تنها تندتر نمی‏شود بلکه ملایم‏تر نیز خواهد بود،برای بخش خصوصی یک امیدواری به دنبال داشت‏ و نمود آن در بازار سهام مشاهده شد.از سوی دیگر افزایش قیمت نفت در کوتاه مدت به نفع ما خواهد بود. ولی اثر بلندمدت آن نیاز به تجزیه و تحلیل بیشتری دارد. در دور نخست آرای مسلمانان را جلب کردن و چیزی به آنها ندادند این بار آرای مسیحیان را جذب کردند و قطعا آنها نیز پاسخ چندانی نخواهند گرفت‏ در دهه 1970 زمانی که قیمت نفت افزایش یافت و بعضی از رهبران سیاسی ایران اظهار خوشحالی‏ می‏کردند،در همان زمان زکی‏یمانی وزیر نفت وقت‏ عربستان از این افزایش نگران بود و چنین می‏گفت: "افزایش قیمتها در بلندمدت،بر سرعت غرب دریافتند جانشین برای نفت می‏افزاید.در حالیکه ما روی منابع‏ عظیم از نفت نشسته‏ایم.نباید بگذاریم جانشین ارزانی‏ برای نفت پیدا شود."البته در افزایش فعلی،او پک‏ نقشی ندارد حتی قادر نیست که برای کاهش قیمت،نفت‏ بیشتری عرضه کند تا قیمت‏ها به سطح مناسب و موردنظر کاهش یابد.دلیل دیگر اثر مثبت انتخاب بوش بر اقتصاد ما این است که هر دو طرف به این نتیجه رسیده‏اند و یا بزودی‏ خواهند رسید که در رابطه دو کشور تنش‏زدایی شود.در واقع طی این سال‏ها دو کشور یکدیگر را محک زده‏اند از این پس باید"کاری‏"صورت بگیرد.از آنجا که سیاست‏ خارجی ما در سطح دولت‏ها نیست بلکه در سطح ملی‏ اتخاد تصمیم می‏شود بنابراین نباید انتظار داشت انتخابات‏ آتی در ایران تاثیر چندانی در این روند تنش‏زدایی‏ داشته باشد.به تعبیری شاید این موضوع مسیر تنش‏زدایی‏ را هموار کند و شاید هم با کوتاه آمدن از طرف مقابل این‏ اتفاق رخ دهد.به هر حال پاسخ ایران به موضوع انرژی‏ هسته‏ای میزان انعطاف را روشن می‏کند.

تأثیرپذیری اقتصاد از انتخاب مجدد بوش، ارتباط مستقیم با مواضع وی در دوم ریاست جموری دارد

بوش محافظه کار و رادیکال‏ یا بوش میانه‏رو

سهراب شهابی‏ انتخابات اخیر آمریکا را می‏توان از چند جنبه مورد توجه قرار داد:

در نگاه اول حضر نسبتا گسترده مردم آمریکا در انتخابات چشمگیر بود.به طوری که بیش از 56 درصد واجدین شرایط در روز رای‏گیری به پای صندوق‏ها رفتند.

نکته تأمل برانگیز دیگر،که نباید از آن چشم پوشید، اقبال ساکنان شهرهای بزرگ به کری در ایالاتی است که‏ بوش اکثریت آراء آن را کسب‏ کرد.ولی میزان آراء کری گواه‏ پیروزی بوش در شهرهای‏ کوچک،مناطق روستایی و ایالاتی است که از نظر اقتصادی‏ نسبتا عقب مانده‏تر هستند.

اما آنچه که همگان به آن‏ اذعان دارند محافظه کارتر شدن‏ آمریکایی‏هاا به ویژه افزایش‏ نقش مذهب و تاثیرگذاری آن در نتیجه انتخابات است.در انتخابات این دوره گروه‏های‏ مسیحی و مذهبی به نفع بوش‏ وارد صحنه شدند و نتیجه انتخابات را به نفع وی تغییر دادند.

به هر روی پرسشی که از ابتدای پیروزی بوش مطرح‏ شده،سمت و سوی سیاست خارجی آمریکا در دور دوم‏ ریاست اوست و آن اینکه آیا بوش در چهار سال آینده به‏ راست میانه،یعنی محافظه‏کاران میانه،نزدیک شده، مواضع او با دموکرات‏های محافظه کار قرابت بیشتری‏ خواهد یافت و یا همچنان در جناح راست محافظه‏کار و به نوعی رادیکال باقی خواهد ماند.

استعفای کاولین پاول و انتخاب خانم رایس و سپردن‏ سکان سیاست خارجی آمریکا به او مشخص کرد بوش‏ با ادامه امضای‏ قراردادهای دو جانبه‏ آمریکا در منطقه باید در انتظار حالتی‏ دو قطبی در اقتصاد منطقه خاورمیانه بود گام اول با ملایمت برنداشته است و بر خلاف ریگان، همتای سابق خود از حزب جمهوریخواه،که در دور دوم‏ مقدری به سمت جناح میانه حزب جمهوری‏خواه‏ حرکت کرد،دست کم در گام نخست پیوند مستحکم‏ خود را با جناح راست جمهوری‏خواهان حفظ خواهد کرد.البته این قرابت با مواضع جناح راست چندان عجیت‏ و دور از انتظار نیست:بالطبع بوش خواهد کوشید دست‏ کم در سال نخست،بر مواضعی‏ استوار بماند که بر اساس آن‏ها آرای آمریکاییان را به دست‏ آورد.

در مقابل برخی از کارشناسان‏ بر این باورند که با توجه به‏ فضای پدید آمده بر اثر انتخابات‏ که به بروز شکافی میان‏ آمریکاییان انجامید،بوش خواهد کوشید برای التیام بخشیدن به‏ شرایط موجود،به سمت جناح‏ میانه حرکت کند.آنچه این گونه‏ تحلیل‏ها را پیشتیبانی می‏کند، رفتار آمریکاییان و به ویژه این واقعیت است که بوش‏ آخرین دور زمانداری خود را سپری می‏کند و دیگر نگران انتخاب مجدد نیست.این آرامش خاطر بر رفتار رؤسای جمهوری در دور دوم و در واقع آخرین دور زمانداری‏شان تاثیرگذار است.با این زمینه می‏توان به‏ موضوعات زیر توجه کرد:

سیاست بین‏المللی

انتظار می‏رود بوش سیاستی را که در چهار سال‏ نخست ریاست جمهوری‏اش در جهان اعمال کرد، همچنان تداوم دهد.بنابراین باید انتظار داشت که رویکرد بالنسبه امنیتی بین‏المللی حاکم بماند.البته، همانطور که بوش در گرما گرم انتخابات قول داد،این‏ احتمال نیز وجود دارد که او تا حدی در جهت هماهنگی‏ و یا نزدیک کردن آمریکا به اروپا و سیاست‏های این قاره‏ تلاش کند،ولی به یقین این تلاش هم‏سنگ کوشش‏ احتمالی کری در این زمینه نخواهد بود.در خور توجه‏ اینکه اگر بوش رویکرد مشخصی به جناح میانه حزب‏ جمهوریخواه نداشته باشد،این احتمال هست که در برخی موضوعات،سیاست‏های افراطی‏تری نیز در پیش‏ گیرد.چرا که اعمال همین سیاست‏ها بود که پشتیبانی‏ جامعه آمریکا را بیش از دور اول ریاست جمهوری‏ نصیب او کرد.

می‏دانیم که بوش،با وجود انتقادهایی که‏ مردم،روشنفکران و نخبگان آمریکا بر سیاست‏های بوش وارد آوردند،و علی‏رغم‏ انتظار جهانیان،بار دیگر انتخاب شد.طبق یک‏ آمارگیری نمونه قبل از انتخابات،از هر 10 کشور غیر آمریکایی در جهان هشت کشور طرفدار کری بودند.این موضوع نشان‏دهنده‏ وجود پاره‏ای مشکلات جدی در سیاست‏ خارجی بوش بود.حال باید منتظر پاسخ این‏ پرسش ماند که آیا وی در جهت اصلاح این‏ نگرش گام برمی‏دارد و برای نزدیکی به اروپا تلاش خواهد کرد یا نه؟

گذشته از رابطه ایالات متحده با اروپا، بررسی تاثیر پیامدهای انتخاب دوباره بوش‏ بر خاورمیانه نیز حایز اهمیت است.فرض بر این است که با انتخاب بوش،بحران‏ خاورمیانه ادامه خواهد یافت و این همچنان‏ به عنوان یک اولویت مهم در دستور کار سیاست خارجی بوش باقی خواهد ماند. تاثیرپذیری خاورمیانه را از چند جنبه می‏توان‏ بررسی کرد:

نخست،موضوع نفت.برآوردها نشان‏ می‏دهد قیمت نفت در سطح خوبی باقی‏ می‏ماند و بوش برای تلقیل قیمت نفت فشار چندانی اعمال نخواهد کرد.

دوم،مسأله عراق.در تحلیل سیاست‏ بین‏المللی بوش،به هیچ روی نمی‏توان از موضوع عراق غافل شد.اگر کابینه آمریکا در عملیات نظامی که مقدمه‏ساز انتخابات آتی عراق است‏ توفیق یابد و انتخابات ماه آینده عراق برگزار شود،منطقه‏ به سوی وضعیت ثبات میل خواهد کرد و این ثبات‏ بی‏شک تاثیر خود را بر کل خاورمیانه خواهد نهاد.به‏ این ترتیب احتمال اجرای طرحی که بوش از مدت‏ها پیش برای خاورمیانه در نظر گرفته،یعنی طرح«ایجاد منطقه آزاد خاورمیانه»بیشتر خواهد شد.

هم‏اکنون آمریکا در جهت اجرای این طرح یک‏ موافقتنامه تجاری آزاد با اردن منعقد کرده است.این‏ موافقتنامه سبب رشد و رونق بالنسبه مناسب اقتصادی‏ اگر بوش رویکرد مشخصی به‏ جناح میانه حزب جمهوریخواه‏ نداشته باشد،این احتمال‏ هست که در برخی موضوعات، سیاست‏های افراطی‏تری نیز در پیش گیرد در اردن شد است.همچنین آمریکا از مارس سال‏ گذشته یک قرارداد تجارت آزاد با مراکش و به تازگی‏ موافقتنامه‏ای تجاری با بحرین منعقد کرده است.پیش‏ از این موافقتنامه آمریکا در چارچوب همکاری تجاری‏ و سرمایه‏گذاری با بیشتر کشورهای خلیج‏فارس از جمله عمان،قطر و امارت متحده عربی نیز به امضاء رسیده بود.بدین ترتیب می‏توان انتظار داشت که با ادامه‏ این سیاست‏ها حالتی دو قطبی در اقتصاد منطقه‏ خاورمیانه پدید آید.

این موافقتنامه‏های تجاری نه تنها سبب رشد اقتصادی کشورهای طرف قرارداد خواهد شد،همچنان‏ که درباره اردن شاهد هستیم،بلکه شمار دیگری از کشورها،از جمله لبنان،را ترغیب خواهد کرد که‏ احتمالا به این توافق‏ها بپیوندند.البته نباید از یاد برد که‏ این فرایند در برخی کشورها نیز اثر منفی خواهد داشت‏ و رشد آن‏ها را محدود خواهد کرد.

اثرپذیری ایران

اگر سیاست‏هاس بوش به جناح میانه‏رو حزب‏ جمهوریخواه نزدیک شود،همانطور که در دور دوم‏ ریاست جمهوری ریگان اتفاق افتاد،مسیر تحولات به‏ سمت اثرات بسیار منفی بر ایران و منطقه‏ نخواهد بود.اما اگر او به جناح رادیکال نزدیک‏ شود،تشدید بحران در منطقه،موضوعات‏ اقتصادی را تحت تاثیر قرار خواهد داد.بدین‏ معنی که بحران،سبب افزایش هزینه‏ها،کاهش‏ سرمایه‏گذاری‏ها،نرخ رشدهای محدودتر و بیکاری خواهد شد گر چه این احتمال قوی نیز وجود دارد که قیمت نفت همچنان بالا باقی‏ بماند.

بنابراین اگر سیاست بوش به سمت میانه‏ میل کند،مشکلات خاصی بروز نخواهد کرد؛ به ویژه اگر مواضع او به مواضع اروپا نزدیک‏ شود.ولی اگر او به جناح رادیکال نزدیک شود، باید منتظر بروز دشواری‏هایی باشیم.

اما درباره تاثیر سیاست‏های بوش بر قیمت‏ نفت،قبل از همه باید همواره به خاطر داشت‏ که افزایش قیمت نفت الزاما تاثیر مثبتی بر اقتصاد کشورهای نفتخیز ندارد.در واقع‏ افزایش قیمت نفت را می‏توان بر اساس دو عامل مورد بررسی قرار داد:

الف.بهای نفتی که از خاورمیانه صادر می‏شود.سال‏ها این نفت با دو دلار اختلاف‏ از نفت‏های دیگر مانند دریای شمال صادر می‏شد که در حال حاضر این تفاوت رقم به‏ دلیل نوع نفت به بالاتر از 20 دلار رسیده و پیش‏بینی می‏شود ازاین میزان نیز بالاتر برود.

ب.عامل دیگربالا رفتن قیمت یورو است. افزایش قیمت یورو در برابر دلار،قدرت‏ واقعی خرید ایران را،که بیشتر مایحتاج خود را از اروپا تامین می‏کند،کاهش می‏دهد.

به بیان دیگر افزایش قیمت نفت آن اندازه نیست که‏ تصور می‏شود.

در مجموع باید گفت تاثیرپذیری اقتصاد جهان،منطقه‏ و ایران از انتخاب مجدد بوش ارتباط مستقیم با مواضع‏ وی در دور دوم ریاست جمهوری دارد.

موضع بوش درباره مذاکرات هسته‏ای ایران و نیز انتخاب اعضای کابینه و قاضی دیوانعالی آمریکا می‏تواند جهان را در برابر بوش محافظه کار و رادیکال و یا جورج‏ بوش میانه‏رو قرار دهد.